

تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر مهاجر افغانستانی با تأکید بر

سرمایه‌های تحولی درونی

The Lived Experience of the Female Afghan Immigrants' Students with an Emphasis on Internal Developmental Assets

Motahare Akbari Moghadam Kakhki

MA in educational psychology
University of Tehran

Elaheh Hejazi Moughari, PhD

University of Tehran

الهه حجازی موعاری

دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه تهران

مطهره اکبری مقدم کاخکی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه تهران

Marzieh Aali, PhD

University of Tehran

مرضیه عالی

استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت
دانشگاه تهران

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر مهاجر افغانستانی با تأکید بر سرمایه‌های تحولی درونی بود. روش پژوهش پدیدارشناسی توصیفی بود و جمعیت شرکت‌کنندگان شامل ۲۰ دانش‌آموز دختر مهاجر افغانستانی متوسطه دوم ساکن شهر مشهد و حاشیه‌های آن به روش گلوله برفی مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. هر مصاحبه حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید. سپس پاسخ‌ها با روش هفت مرحله‌ای کلایزی تحلیل شدتند. یافته‌ها حاکی از ۴ مضمون اصلی سرمایه‌های تحولی درونی شامل منابع هویت مثبت، توانمندی‌های اجتماعی، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و در جست‌وجوی آموختن بود. در مجموع یافته‌ها بیانگر آن است که دختران دانش‌آموز افغانستانی دارای سرمایه‌های درونی مناسبی بودند. تحصیل در مدرسه، حمایت والدین برای ادامه تحصیل، داشتن ارزش‌های اخلاقی جامعه‌پسند، انگیزش پیشرفت و تلاش برای ساختن آینده‌ای بهتر، مشخصه دختران افغانستانی امروز است.

واژه‌های کلیدی: تجربه زیسته، سرمایه‌های تحولی درونی، مهاجران افغانستانی، دانش‌آموزان دختر

Abstract

This study aimed to investigate the lived experience of female Afghan immigrant students with an Emphasis on Internal Developmental Assets. The research methodology was descriptive phenomenological and the study population consisted of 20 Afghan migrant female high school students residing in the city of Mashhad and its suburbs and were semi-structured interviews. Each interview took about 30 minutes. Then, the responses were analyzed using the seven-step Colaizzi method. The findings indicate four main themes of internal developmental assets, including positive identity resources, social capabilities, commitment to ethical values, and a quest for learning. Overall, the findings suggest that Afghan female students possess suitable internal assets. Attending school, parental support for continued education, holding community-friendly ethical values, motivation for progress, and striving for a better future are characteristics of Afghan girls today.

Keywords: lived experience, developmental internal assets, Afghan immigrants, female students

received: : 09/09/2022

accepted: 16/09/2023

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

مقدمه

وضعیت کنونی خاورمیانه، آشفتگی و جنگ‌های موجود در منطقه از یک‌سو و ثبات و امنیت در ایران از سوی دیگر، موجب استقرار مهاجران زیادی در ایران شده است. بیشتر این مهاجران از کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه هستند. اما در این بین تعداد مهاجران افغانستانی به مراتب بیشتر از سایر مهاجران است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، یک میلیون و ۸۳۵ هزار و ۹۷۹ نفر با تابعیت افغانستانی در ایران حضور دارند که نزدیک به ۴۵۰ هزار نفر آن‌ها در سنین مدرسه یعنی ۶ تا ۱۷ سال هستند (موسوی، فتحی و اجارگاه، حقانی و صفایی موحد، ۲۰۱۹). هم‌چنین در طی سال‌های اخیر حضور مهاجران افغانستانی مشکلات عدیده‌ای را در ابعاد مختلف فرهنگی، ازدواج، اشتغال، آموزش، بهداشت، ناهنجاری‌ها، جرائم، مسکن و غیره برای ایران به وجود آورده است (عیسی‌زاده و مهرانفر، ۲۰۱۳). به‌طوری‌که نتایج پژوهش صادقی و نظری (۲۰۱۶) نشان داده است که هویت دانش‌آموزان افغانستانی در جریان تعاملات با ایرانیان و در فاصله‌گیری از آنان ساخته شده و این جدایی از جریان جامعه و فرهنگ غالب کشور باعث شکل‌گیری سرکشی و برخی رفتارهای ناپه‌نجار از سوی آن‌ها شده است. نوجوانی دوره‌ای حساس با ویژگی‌های خاص در تحول انسان محسوب می‌شود و زمانی که این دوره با مشکلات مهاجرت پیوند می‌خورد شرایطی را به‌وجود می‌آورد که می‌تواند هم برای مهاجر و هم برای جامعه اثرات مخربی به همراه داشته باشد. اگر شرایط ادغام اجتماعی برای مهاجران فراهم نشود، آنان ارزش‌های جامعه میزبان را درونی نمی‌کنند و در پاره‌ای موارد به دور خود دیواری می‌کشند که منجر به شکل‌گیری یک خرده فرهنگ و دوری از جامعه میزبان می‌شود. بر همین اساس با توجه به اینکه شمار بسیاری

از نوجوانان افغانستانی در ایران در حال تحصیل هستند و با در نظر گرفتن جمعیت رو به افزایش آن‌ها، عدم توجه به سلامت و بهداشت روانی آن‌ها می‌تواند برای مهاجر و هم‌چنین جامعه میزبان خطرات بسیاری در پی داشته باشد (حمیدی، نصری و حافظی، ۲۰۲۰).

از منظر دیگر، در عصر حاضر آموزش و پرورش و به‌طور کلی تحصیل بخش مهمی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد و کمیت و کیفیت این تحصیل نیز نقش مهمی در آینده دانش‌آموزان ایفا می‌کند (شیخ‌الاسلامی و امیدوار، ۲۰۱۷). در واقع زندگی تحصیلی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی فرد است که بر تربیت و یادگیری ثمربخش و موفقیت‌آمیز اثر می‌گذارد و در آنجا صلاحیت‌ها و توانایی‌ها به بار می‌نشیند و پیشرفت‌های علمی حاصل می‌شود، چراکه در زندگی روزانه تحصیلی، دانش‌آموزان با انواع چالش‌ها، موانع و مؤلفه‌های روان‌شناختی مواجه می‌شوند (یو، دانگ و لیم، ۲۰۱۶).

یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری عملکرد تحصیلی، سرمایه‌های تحولی^۱ است. بررسی تحول دوره نوجوانی در دهه‌های اخیر از تمرکز بر نواقص و کاستی‌های تحولی به سمت بررسی نقاط قوت یعنی منابع و تجربیاتی که برای موفقیت مهم هستند تغییر جهت داده است (آزادیان‌بجنوردی، بختیارپور، مکوندی و احتشام‌زاده، ۲۰۲۰). محققان مفهوم سرمایه‌های تحولی را برای شناسایی و ارتقا متغیرهایی که به تحول سالم کودک و نتایج مثبت کمک می‌کنند، طراحی کرده‌اند (بنسون، ۲۰۰۳). بر همین اساس سرمایه‌های تحولی با تأکید بر ظرفیت ذاتی^۲ همه دانش‌آموزان برای رشد و پیشرفت مثبت و شناسایی نقاط قوت ظرفیت آن‌ها (بازخوردهای مثبت، صلاحیت‌ها و ارزش‌ها) که باعث تقویت مسیرهای سالم پیشرفت می‌شود، زمینه‌های توسعه تعامل با خانواده، مدرسه، محله و جامعه،

باشند، کمتر در رفتارهای مخاطره‌آمیز درگیر می‌شوند، در ساختارهای اجتماعی مشارکت بیشتری دارند و دارای عملکرد مطلوب‌تری در مدرسه و زندگی هستند (اسکلز و تاکوگنا، ۲۰۰۷). بنابراین از آنجاکه سرمایه‌های تحولی در قلمرو روان‌شناسی مثبت‌نگر، سازه مهمی در آموزش و محیط زندگی جوانان و نوجوانان به حساب می‌آید، احتمال افزایش موفقیت در تحصیل، کاهش رفتارهای پرخطر، افزایش تاب‌آوری^۱ و در نهایت بهزیستی^۱ را به همراه دارد (شک، ما و لیو، ۲۰۱۵). انجام پژوهشی برای واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی با تأکید بر سرمایه‌های تحولی درونی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند به شناسایی نقاط قوت، مهارت‌ها و توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی کمک کند و با این شناخت، مربیان می‌توانند روش‌های تدریس و خدمات پشتیبانی را برای بهینه‌سازی تجارب مهاجران تنظیم کنند. همچنین با درک این امر که دانش‌آموزان مختلف چالش‌های متفاوتی دارند این پژوهش کمک می‌کند که برنامه‌های حمایتی هدفمندی توسعه یابند که به نیازهای خاص دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی، مانند سازگاری فرهنگی^{۱۱}، و حمایت از آسیب‌های روانی پاسخ دهند. داده‌های حاصل از پژوهش‌های مربوط به سرمایه‌های تحولی درونی نیز می‌تواند سیاست‌گذاران را از نقاط قوت و ویژگی‌های مثبت دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی آگاه کند و راهنمای توسعه سیاست‌گذاری‌هایی برای ترویج آموزش و پرورش چندفرهنگی باشد. از سوی دیگر، شناخت و حمایت از سرمایه‌های تحولی دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی می‌تواند بر انگیزه، مشارکت و موفقیت آن‌ها در آموزش تأثیر مثبت بگذارد و در نهایت، با تسهیل انسجام اجتماعی^۱، تعاملات مثبت بین جامعه

پشتیبانی، فرصت‌ها و منابع توسعه را برای موفقیت فراهم می‌کند (بنسون، اسکلز، همیلتون و سسما، ۲۰۰۷؛ حسین‌آباد، نجفی و رضایی، ۲۰۲۰). سرمایه‌های تحولی از دو بُعد اصلی تشکیل شده است. بُعد بیرونی^۱ سرمایه‌های تحولی به حمایت‌ها^۲، روابط^۳، فرصت‌ها^۴ و تجربیاتی که جوانان از خانواده‌ها، مدارس، برنامه‌ها و جوامع خود دریافت می‌کنند اشاره دارد. این عوامل فرد را حمایت می‌کنند، پرورش می‌دهند و توانمند می‌سازند. بُعد درونی سرمایه‌های تحولی، ارزش‌ها، مهارت‌ها و صلاحیت‌های درونی‌شده در دانش‌آموزان است که دارای چهار مؤلفه تعهد به یادگیری^۵، ارزش‌های مثبت^۶، صلاحیت اجتماعی^۷ و هویت مثبت^۸ است. تعهد به یادگیری به این معناست که جوانان نسبت به فعالیت در یادگیری مادام‌العمر و آموزش تعهد دارند. ارزش‌های مثبت یعنی جوانان نیاز به رشد ارزش‌های خود دارند که انتخاب‌های آنان را هدایت کنند. صلاحیت‌های اجتماعی به این معناست که جوانان نیاز به مهارت‌ها و صلاحیت‌هایی دارند که آن‌ها را برای انتخاب‌های مثبت، برقراری روابط و موفقیت در زندگی کمک می‌کند. در نهایت هویت مثبت یعنی جوانان نیاز به حس قوی از قدرت خود، هدف، ارزش و تعهد دارند (لیاسکو و مکیر، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر، سرمایه‌های تحولی درونی نقاط قوت عاطفی اجتماعی خاصی را شناسایی می‌کنند که برای موفقیت در زندگی لازم است. فرض بر این است که هر فردی از سنین کودکی تا جوانی تعدادی از این مؤلفه‌ها را تجربه می‌کند و زمانی افراد به حداکثر ظرفیت خود می‌رسند که تعداد بیشتری از این مؤلفه‌ها را در زندگی خود داشته باشند. هر چه افراد سرمایه‌های تحولی بالاتری داشته

1. internal aspect
2. support
3. relationships
4. opportunities
5. commitment to learning
6. positive values

7. social competence
8. positive identity
9. resilience
10. well-being
11. cultural compatibility

مهاجر و جمعیت میزبان را تقویت کند و به افزایش درک و همکاری مقابل بیانجامد. از این رو انجام پژوهشی برای واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان افغانستانی به دلیل کاوش عمیق این موضوع با تأکید بر سرمایه‌های تحولی درونی می‌تواند گامی برای تأمین نیازهای خاص این گروه باشد.

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های کیفی^۱ است که به شیوه پدیدارشناسی^۲ انجام شد. جامعه پژوهش حاضر دانش‌آموزان دختر افغانستانی متوسطه دوم ساکن در شهر مشهد و اطراف مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ و نمونه‌برداری از نوع هدفمند گلوله برفی بود. روش گلوله برفی هنگامی که دسترسی به افرادی که دارای ویژگی‌های مورد نظر محقق هستند، دشوار

جدول ۱
اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شماره	رشته تحصیلی	پایه تحصیلی	وضعیت شغلی	سن	وضعیت تأهل
۱	ریاضی	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۲	طراحی دوخت	دوازدهم	خیاط	۱۸	متاهل
۳	انسانی	دوازدهم	بدون شغل	۱۹	متاهل
۴	تربیت بدنی	یازدهم	مربی خطاطی / بازاریاب	۱۷	مجرد
۵	عکاسی	یازدهم	عکاس	۱۷	مجرد
۶	عکاسی	یازدهم	بدون شغل	۱۷	مجرد
۷	تجربی	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۸	کامپیوتر	یازدهم	بدون شغل	۱۷	مجرد
۹	ریاضی	دوازدهم	بدون شغل	۱۷	مجرد
۱۰	انسانی	دوازدهم	بدون شغل	۱۹	مجرد
۱۱	تجربی	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۱۲	انسانی	دوازدهم	بازاریاب	۱۸	مجرد
۱۳	کامپیوتر	دوازدهم	آرایشگر	۱۸	مجرد
۱۴	انسانی	دوازدهم	فروشنده	۱۸	مجرد
۱۵	کامپیوتر	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۱۶	حسابداری	دهم	بدون شغل	۱۶	مجرد
۱۷	حسابداری	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۱۸	حسابداری	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۱۹	تجربی	دوازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد
۲۰	انسانی	یازدهم	بدون شغل	۱۸	مجرد

جهت گردآوری اطلاعات و به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش،

1. social cohesion
2. qualitative research

3. phenomenology

معتبرسازی نتایج انجام شد (محمدپور، ۲۰۱۲). برای بررسی اعتبار و صحت داده‌های پژوهش، از چهار معیار قضاوت شامل اعتبار^۳، انتقال‌پذیری^۴، اطمینان‌پذیری^۵ و تأییدپذیری^۶ که توسط گوبا و لینکن (۱۹۹۴) پیشنهاد شده، استفاده شد. برای تضمین اعتبار، درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش وجود داشت. در جلسات، روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها توسط تیم تحقیق بررسی شد. برای بررسی اطمینان‌پذیری داده‌ها از نظارت سه نفر از فارغ التحصیلان رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی تربیتی که مسلط به تحقیق کیفی بودند استفاده شد و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر کدگذاری‌ها به آنان ارائه شد. برای رسیدن به اصل انتقال‌پذیری، از دانش‌آموزان در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی استفاده شد. افزون بر این جهت تأمین تأییدپذیری، سعی شد پژوهشگران قضاوت‌ها و سوگیری‌های خود را تا حد امکان در کار دخالت ندهند و با ثبت همه مراحل انجام کار و داده‌های حاصله و حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش به تضمین قابلیت تأیید این پژوهش کمک کنند.

یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در جدول ۲ آمده است.

از روش مصاحبه استفاده شد. قبل از انجام مصاحبه، به شرکت‌کنندگان در مورد رعایت اصول اخلاقی پژوهش توضیحات لازم داده شد و پس از کسب رضایتشان، به آن‌ها پیرامون حق انصراف از مصاحبه و محرمانه بودن اطلاعات آن‌ها در کل فرایند پژوهش اطمینان داده شد. همچنین در مورد ضبط مصاحبه از شرکت‌کنندگان اجازه گرفته شد. نوع مصاحبه برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نظر ساختاری نیمه‌ساختار^۱ یافته است و هر مصاحبه حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید.

به منظور تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۲ استفاده شد که یکی از رویه‌های پرکاربرد تحلیل در پژوهش‌های پدیدارشناسی است. در این پژوهش پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی مصاحبه بر روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه، یافته‌های مهم هر مصاحبه و هم‌احساس شدن با افراد مشارکت‌کننده به منظور درک آن‌ها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده (فرمول‌بندی)، دسته‌بندی مفاهیم مشترک به دست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آن‌ها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای

جدول ۲

مضامین اصلی، فرعی و مفاهیم اولیه سرمایه تحولی درونی شرکت‌کنندگان

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
منابع هویت مثبت	حرمت خود	- حرمت خود بالا به دلیل ویژگی‌های مثبت - حرمت خود بالا و بی‌قید و شرط
	کاستی حرمت خود	- کمبود حرمت خود به دلیل نقطه ضعف - حرمت خود منوط به راضی نگه داشتن دیگران - حرمت خود منوط به میزان درس خواندن - کمبود حرمت خود به دلیل بی‌احترامی و سرزنش بقیه
	هدفمندی	- هدف مهاجرت از ایران

1. semi-structured interview
2. Colaizzi method
3. credibility

4. transferability
5. dependability
6. confirmability

	<ul style="list-style-type: none"> - هدف کسب درآمد و اشتغال - ازدواج در آینده - سردرگمی در انتخاب هدف - هدف موفقیت تحصیلی 		
	<ul style="list-style-type: none"> - خوشبینی افراطی و همه جانبه - خوشبینی به علت ازدواج در آینده - امیدواری به دلیل افزایش تلاش - امیدواری به دلیل حل شدن مشکلات در آینده 	امید به آینده	
	<ul style="list-style-type: none"> - ناامیدی صرفاً هنگام مشکلات - ناامیدی به علت پیدانکردن راه زندگی 	ناامیدی نسبت به آینده	
توانمندی‌های اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کاملاً مستقلانه - برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری با مشورت - عدم امکان تصمیم‌گیری برای خود 	برنامه ریزی و تصمیم‌گیری	
	<ul style="list-style-type: none"> - علاقه‌مندی به ارتباط با اقوام و نژادهای مختلف 	پذیرش اقوام و نژادها	
	<ul style="list-style-type: none"> - توانایی برقراری رابطه صمیمانه با افراد با مذهب و عقیده متفاوت - رابطه محدود با شخص با مذهب متفاوت 	احترام به عقاید و مذاهب دیگران	
	<ul style="list-style-type: none"> - درگیری و دعوا با افراد با عقاید متفاوت - رابطه صرفاً با افراد هم‌عقیده و هم‌مذهب - تلاش در تحمیل عقاید خود با صحبت و مباحثه 	عدم پذیرش عقاید و مذاهب دیگران	
	<ul style="list-style-type: none"> - توانایی برقراری ارتباط با اقشار مختلف - ارتباط‌گیری محدود به علت خجالتی بودن - بی‌اعتمادی به برقراری روابط صمیمی 	صلاحیت‌های بین فردی	
	<ul style="list-style-type: none"> - منوط به شخص درخواست کننده - منوط به نوع درخواست 	مهارت نه گفتن	
	<ul style="list-style-type: none"> - توانایی نه گفتن در همه حالات - ناتوانی در نه گفتن 		
	<ul style="list-style-type: none"> - گفتگو - پرخاشگری - در خود ریختن - کمک از شخص سوم - کنار گذاشتن چالش بدون حل آن - قطع ارتباط 	نحوه حل تعارض	
	<ul style="list-style-type: none"> - کمک درسی و تدریس رایگان - قبول درخواست کمک روزمره برای دیگران - کمک مالی به نیازمندان با درآمد شخصی - فعالیت در موسسات عام‌المنفعه - همدلی در هنگام سختی اطرافیان 	نوع دوستی	پابندی به ارزش‌های اخلاقی
	<ul style="list-style-type: none"> - دوری از تفکر راجع به این گونه مسائل - اهمیت ندادن به تجربه بی‌عدالتی دیگران - درگیری ذهنی مداوم برای افراد در معرض نابرابری - مبارزه با بی‌عدالتی تا حد توان 	دغدغه‌ی عدالت و برابری	
	<ul style="list-style-type: none"> - شکرگذاری روزانه 	تعهد به مذهب و باورها	

	<ul style="list-style-type: none"> - پایبندی به نماز و روزه - عدم پایبندی به هیچ کدام از مناسک مذهبی - خواندن نماز در بعضی شرایط - خواندن روزانه قرآن - پایبندی به حجاب 	
	<ul style="list-style-type: none"> - رابطه در حد دوستی اجتماعی - رابطه منحصرأ عاطفی - عدم رغبت به ارتباط با جنس مخالف - محدودیت و نظارت شدید خانواده - متأهل 	خویشتن داری در روابط با جنس مخالف
	<ul style="list-style-type: none"> - عدم علاقه به استعمال مواد مخدر و الکل - استفاده از سیگار - استفاده از قلیان 	عدم استعمال مواد مخدر و الکل
	<ul style="list-style-type: none"> - تعهد به تهمت زدن - متعهد به صادق بودن تحت هر شرایط - متعهد به آزار نرساندن به دیگران - بی‌احترامی نکردن جلوی بقیه - تعهد به پشت سر کسی حرف زدن - کینه‌ای نبودن - مسئولیت پذیری - دو رو نبودن 	تعهد به سایر ارزش‌های اخلاقی
	<ul style="list-style-type: none"> - مهاجرت از ایران - داشتن شغل با درآمد خوب - بدون انگیزه یا صرفاً به دنبال مدرک - اثبات کردن خود به خانواده 	انگیزه‌های پیشرفت درجست و جوی آموختن
	<ul style="list-style-type: none"> - منوط به موضوع درسی - درگیری تحصیلی برای لذت پیروزی - نداشتن درگیری تحصیلی به دلیل عدم علاقه - درگیری تحصیلی در تمام دروس - منوط به نحوه تدریس معلم 	درگیری تحصیلی
	<ul style="list-style-type: none"> - صرفاً از روی احساس وظیفه تکلیف را کامل کردن - تکمیل تکالیف در برخی مواقع - باعلاقه تکلیف انجام دادن 	انجام تکالیف
	<ul style="list-style-type: none"> - علاقه به همکلاسی‌ها - علاقه به درس خواندن و رشته تحصیلی - علاقه به معلمین - عدم علاقه به مدرسه به دلیل حجم سنگین دروس، برخورد بد کادر آموزشی 	تعلق خاطر به مدرسه
	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از کتاب‌های الکترونیکی - هم‌صحبتی با افراد باتجربه به جای کتاب - استفاده از کتابخانه - خرید کتاب غیردرسی تا حد امکان - نداشتن وقت اضافه برای مطالعه آزاد - کسب دانش با فیلم و فایل صوتی 	شوق مطالعه فرآموزشی

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۴ مضمون اصلی، ۲۳ مضمون فرعی و ۹۲ مفهوم اولیه شد. در ادامه به تشریح هر مضمون اصلی و فرعی پرداخته می‌شود.

مضمون اصلی اول: منابع هویت مثبت

تحول هویت در نوجوانی ضروری است و دانش‌آموزان در این سن سعی در ایجاد حرمت خود، هدفمندی و خوش‌بینی دارند. حرمت خود، کاستی حرمت خود، هدفمندی، امید به آینده، ناامیدی نسبت به آینده جزو مضامین هویت مثبت هستند.

مضمون فرعی حرمت خود: نتایج

به‌دست آمده نشان می‌دهد ۱۴ نفر از دانش‌آموزان حرمت خود به نسبت بالایی داشتند. این مضمون فرعی شامل حرمت خود بالا به دلیل ویژگی‌های مثبت و حرمت خود بالا و بی‌قید و شرط است. ۱۰ نفر از دانش‌آموزان در همه شرایط حرمت خود بالایی داشته و خود را از هر جهت دوست داشتند و ۴ نفر از دانش‌آموزان حرمت خودشان منوط به شرایطی مانند وضعیت تحصیلی و رضایت والدین از آن‌ها بود. شرکت‌کننده شماره ۳ به حرمت خود خودش نمره بالایی می‌دهد و دلیل آن را ویژگی‌های خوبش می‌داند. "فکر می‌کنم از ۱۰۰ درصد ۸۹ درصد حرمت خود داشته باشم، اگر بخوام ویژگی‌های خوب و بدمو پرسم از کسی یا خودم بخوام بنویسمشون ویژگی‌های خوبم بیشتر از ویژگی‌های بدمه"

همچنین شرکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید: "آره حرمت خود بالایی دارم، چون اگه خودمو دوست نداشته باشم نمی‌تونم بقیه رو هم دوست داشته باشم به حرمت خودم نمره کامل می‌دم"

مضمون فرعی کاستی حرمت خود

نتایج به‌دست آمده شامل کمبود حرمت خود به دلیل نقطه ضعف، حرمت خود منوط به راضی نگه داشتن دیگران و حرمت خود منوط به میزان

درس خواندن و همچنین کمبود حرمت خود به دلیل بی‌احترامی و سرزنش بقیه است.

۶ نفر از دانش‌آموزان به‌طور کل خود را دوست نداشتند، شرکت‌کننده شماره ۱۰ به دلیل ناراضی خود از چهره‌اش خود را دوست ندارد و می‌گوید: "نه اصلا خودمو دوست ندارم، از لحاظ ظاهر اصلا خودمو دوست ندارم وقتی تو آئینه خودمو نگاه می‌کنم احساس می‌کنم خیلی زشتم، از اخلاق خودم راضی‌ام بخاطر چهره که خودم رو دوست ندارم".

همچنین شرکت‌کننده شماره ۱۶ نیز می‌گوید: "چون گاهی از رفتار پدر و مادر ناامید میشی حرمت خود هم باهاش میاد پایین، آدمی که هدف داره دوست داره برا هدف‌هاش بجنگه اما وقتی حرمت خودش پایین میاد دیگه نمی‌تونه مثل قبل هدفش رو دنبال کنه من حرمت نفسم خوبه فقط گاهی که ناامیدم می‌کنن میاد پایین، بیشتر سعی کردم که روم اثر نداشتنه باشه".

مضمون فرعی هدفمندی: ۱۶ نفر از

دانش‌آموزان اهداف خود را در زندگی مشخص کرده‌اند که شامل مهاجرت از ایران، کسب درآمد و اشتغال، ازدواج، و موفقیت در تحصیل است. همچنین ۴ نفر از دانش‌آموزان در انتخاب هدف سردرگم بودند. شرکت‌کننده شماره ۱۴ راجع به سردرگمی خود در انتخاب اهدافش بدین‌گونه سخن می‌گوید: "نه خیلی چون که اطلاعات زیادی شاید هنوز از جامعه ندارم یه درسی به نام سبک تفکر زندگی داریم با خودم می‌گم چرا این رو برامون سال دهم نداشتن وقتی که من تو اوج نوجوانی بودم".

همچنین شرکت‌کننده شماره ۶ نیز اهداف خود را مشخص کرده است: "آره هدف دارم، تو تحصیل هدف کوتاه مدت من دانشکده هنر دانشگاه تهرانه و هدف بلند مدت من اینکه بعد پیج کاری زدم و کاری برای خودم دست و پا کردم کم‌کم سعی کنم کارم رو شرکت تبلیغاتیم کنم".

مضمون فرعی امید به آینده: ۱۷ نفر از

تو یه جایگاهی پیدا کنم و می‌خوام چیکار کنم شاید خوش‌بین باشم ولی با شرایط الانم گیجم و نمی‌دونم می‌خوام با زندگی چیکار کنم آیندم رو هواسم نمی‌تونم روش حساب باز کنم."

شرکت‌کننده شماره ۱۹ نیز مانند شماره ۹ فقط در بعضی موارد احساس بدبینی و ناامیدی می‌کند و می‌گوید: "اصلاً نمی‌خوام به آینده فکر کنم که بعد بینم خوش‌بینم یا بدبین چون فکر کردن به آینده غمگینم می‌کنه این فکر غمگینم می‌کنه بدبین نیستم ولی خیلی هم خوش‌بین نیستم."

مضمون اصلی دوم: توانمندی‌های اجتماعی

این مضمون اصلی شامل مضامین فرعی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، پذیرش اقوام و نژادها، احترام به عقاید و مذاهب دیگران، عدم پذیرش عقاید و مذاهب دیگران، صلاحیت‌های بین‌فردی، مهارت نه گفتن و نحوه حل تعارض است.

مضمون فرعی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری

دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای موضوعاتی مانند تحصیل، انتخاب شغل، روابط، و یادگیری مهارت‌های مختلف را به سه شیوه اجرایی می‌کردند. این مضمون شامل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کاملاً مستقلانه، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری با مشورت، و عدم امکان تصمیم‌گیری برای خود است. منظور از مورد آخر این است که بعضی از دانش‌آموزان معتقد بودند در هیچ مرحله‌ای از زندگی توانایی و اجازه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مستقلانه نداشتند. شرکت‌کننده شماره ۶ عدم موفقیت در برنامه‌ریزی خود را به استقلال نرسیدن خود می‌داند و می‌گوید: "می‌تونم برای خودم تصمیم بگیرم اما کل تایم برای خودم نیست بستگی به خانواده داره گاهی برنامه می‌ریزم و با برنامه‌ای که خانواده ریختن جور در نمیاد مثلاً می‌گن باید بریم جایی و کنسل مجبورم بکنم، تا موقعی که به استقلال نرسیم نمی‌تونم خودم کامل برای خودم برنامه بریزم و تصمیم بگیرم."

دانش‌آموزان به آینده امیدوار و خوش‌بین بودند. بعضی از دانش‌آموزان معتقد بودند بدون هیچ دلیل خاصی نسبت به آینده امیدوار هستند و این خوش‌بینی را افراطی می‌دانستند. هم‌چنین معدودی از دانش‌آموزان از اینکه نزدیک به سن جوانی هستند و والدین‌شان به زودی درصدد ازدواجشان برمی‌آیند خشنود و امیدوار به آینده بودند. هم‌چنین عده‌ای از دانش‌آموزان که هم‌زمان در حال تحصیل و کار کردن بودند به دلیل تلاش زیادشان معتقد بودند در آینده نزدیک شرایطشان عوض خواهد شد و هم‌چنین عده‌ای معتقد بودند که باید خوش‌بین بود چرا که مشکلات زودگذر هستند و همیشه در زندگی نخواهند بود.

شرکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید: "آره اگه خوش‌بین نبودم اینقدر تلاش نمی‌کردم، به نظر من هرچقدر شرایط سخت باشه بالأخره یه راهی پیدا می‌شه خدا خودش یه جوری درست می‌کنه. شماره ۱۸ می‌گوید: حس خوبی دارم، نسبت به آینده به چیزی که ندارم فکر نمی‌کنم می‌گم من دارم تلاش می‌کنم که در آینده برام اتفاق بیوفته من خوش‌بینم چون دارم برایش تلاش می‌کنم."

هم‌چنین شرکت‌کننده شماره ۱۲ می‌گوید: "خیلی خوش‌بینم، تهش قشنگه، اگه هم قشنگ نباشه مطمئن باش تهش نیست، خوش‌بینم چون دارم در حد توانم برایش تلاش می‌کنم، خدا می‌خواد که ما خوشبخت بشیم چرا بهش نرسیم."

مضمون فرعی ناامیدی نسبت

به آینده: هیچ‌کدام از دانش‌آموزان مطلقاً بدبین نیستند. فقط ۳ نفر از دانش‌آموزان بنا به دلایلی در بعضی شرایط ناامیدی را تجربه می‌کردند. مورد اول ناامیدی هنگام رخ دادن مشکلات هست و مورد بعدی ناامیدی به علت پیدا نکردن راه زندگی است.

شرکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: "آره ولی نه خیلی زیاد اگه بدونم چه می‌خوام از زندگی و خودمو

صمیمانه با افرادی را که از نظر مذهبی و عقیدتی متفاوت هستند، دارند و تجربیاتی از این قبیل را داشته‌اند. همچنین عده‌ای از دانش‌آموزان به این نکته اشاره کردند که توانایی ارتباط با فردی با عقیده متفاوت را دارند اما ترجیح می‌دهند این ارتباط محدود باشد.

شرکت‌کننده شماره ۱ راجع به پذیرش عقیده دیگران به این شکل می‌گوید: "به مسائل اخلاقی پایبندم و مذهبی نیستم اما آگه بینم یه جمعیتی متعهد هستند طبق عقیده اونا رفتار می‌کنم و بهشون احترام می‌ذارم یا مثلاً وقتی حرم میرم سعی می‌کنم رعایت کنم".

شرکت‌کننده شماره ۱۶ علت پذیرش افراد با عقاید متفاوت را مهاجر بودن خود می‌داند و می‌گوید: "من سنی‌ام و اکثر دوستانم شیعه هستن. من هیچ وقت تعصب مذهبی نداشتم برام مهم نبوده حتی آگه طرف بی‌دین هم بوده، بقیه دوستانم هم می‌دونستن سنی‌ام هم افغانی‌ام اوکی بودیم مشکلی نداشتم، بقیه دانش‌آموزا شاید نتونن با فردی که از نظرهای مختلف باهاشون فرق می‌کنه ارتباط بگیرن اما چون من دانش‌آموز مهاجر بودم خیلی راحت‌تر این کارو می‌کنم".

مضمون فرعی عدم پذیرش عقاید و مذهب دیگران: ۴ نفر از دانش‌آموزان توانایی پذیرش عقاید متفاوت از خودشان را نداشتند و رفتارهای آن‌ها در این شرایط شامل درگیری و دعوا با افراد با عقاید متفاوت، تلاش در جهت تحمیل عقاید خود با مباحثه و همچنین صرفاً رابطه با افراد هم‌عقیده و هم‌مذهب است.

به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۱۷ می‌گوید: "از نظر مذهبی سعی می‌کنم باهاش حرف بزنم و قانعش کنم ولی باهاش دوست هم هستم، من با صحبت کردن می‌تونم نظرات دوستانم تغییر بدم راجع به مسائل مذهبی خیلی اوقات شده که با بقیه بحثم بشه مثلاً یکی می‌گفت چرا نماز می‌خونید چرا روزه می‌گیرید بحثم شده بعدش، یا

شرکت‌کننده شماره ۱۲ همیشه با مشورت تصمیماتش را نهایی می‌کند و در این باره می‌گوید: "سعی می‌کنم تو زندگی خودم بیشتر خودم برنامه داشته باشم و بعضی وقتام کارهایی که می‌خوام انجام بدم رو نمی‌تونم انجام بدم، پنجاه پنجاه و متوسطه، من سعی می‌کنم تو تصمیماتم از بقیه مشورت بگیرم از افرادی که تو اون حوزه بودن بهم کمک کردن، هیچ وقت نشده خودم تنهایی تصمیم بگیرم، با توجه به چیزایی که بهم میگن خودم تصمیم نهایی رو می‌گیرم".

مضمون فرعی پذیرش اقوام و نژادها

تمام دانش‌آموزان هیچ مشکلی با ارتباط با شخصی که از نظر قوم و نژاد با آن‌ها متفاوت باشد را نداشتند و مشتاق ارتباط‌گیری با اقوام و نژادهای مختلف بودند. شرکت‌کننده شماره ۱۹ مهاجر بودن خود را علت پذیرش اقوام و نژادهای مختلف می‌داند و می‌گوید: "سعی می‌کنم با هر جور آدمی صحبت کنم و از تجربیات همدیگه بیشتر می‌تونیم استفاده کنیم جوری نیستم که خودم رو محدود کنم بخاطر مهاجر بودنم درک کردم که رفتار با آدم‌های مختلف چطوریه سعی کردم با هر آدمی رفتار کنم و برخورد داشته باشم".

شرکت‌کننده شماره ۶ نیز می‌گوید: "قوم و نژاد و اینا خیلی اهمیت نداره. نژاد بقیه رو من اثر نمی‌ذاره قرار نیست سبک زندگیش رو من اثرگذار باشه تا وقتی که خودم این اجازه رو بهش ندم فرهنگش رو من اثرگذار نیست. پس آدمی که می‌تونم باهاش صمیمی بشم ارزشش رو داره و مدارش با من یکنه سعی می‌کنم باهاش صمیمی بشم و دوستی خوبی ایجاد کنم آگه اختلاف نظر هم داشته باشیم سعی می‌کنم فقط ارتباط خوبی بگیرم و همو ببینیم بتونیم به هم یه لبخندی بزیم".

مضمون فرعی احترام به عقاید و مذاهب دیگران: توانایی رابطه کاملاً صمیمانه با فردی با مذهب و عقیده متفاوت: عده‌ای از دانش‌آموزان معتقد بودند توانایی ایجاد رابطه

مثلاً می‌گفتن من ماه محرم رو قبول ندارم ۱۴۰۰ سال پیش شهید شدن که شدن سر مذهب خیلی بحثم شده"

شرکت‌کننده شماره ۱۲ معتقد است که دلیل عدم پذیرش عقاید متفاوت با خود، نداشتن تجربه ارتباط با افرادی است که نظرات و باورهای مختلفی نسبت به او دارند. او در این باره می‌گوید: "اما از نظر مذهبی برام مهمه که مثل خودم باشه، من اصلاً تجربه ارتباط با افراد از ادیان دیگه رو ندارم برای همین نمی‌دونم می‌تونم ارتباط بگیرم یا نه"

مضمون فرعی صلاحیت‌های بین فردی

از دانش‌آموزان راجع به نوع ارتباط‌گیری آنان با افراد جامعه پرسیده شد. برخی از دانش‌آموزان معتقد بودند توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با اقشار مختلف را دارند. همچنین بعضی از دانش‌آموزان خود را خجالتی می‌دانستند و اظهار می‌کردند برقراری ارتباط برایشان سخت است. افراد دیگری خود را بی‌اعتماد نسبت به دیگران می‌دانستند و این امر منجر به نداشتن ارتباط صمیمانه آن‌ها شده بود.

شرکت‌کننده شماره ۹ هنگام گفت‌وگو راجع به مهارت‌های بین فردی اش نقطه نظرش را با خشمی آمیخته با ناراحتی بیان می‌کند و می‌گوید: "من هیچ وقت تا حالا دوستی نداشتم، آدمایی که دوستی دارند از بچگی هم دوستی داشتن من نتونستم دوستی پیدا کنم، تو جایی که ما زندگی می‌کنیم کسانی که من دوست دارم باهاشون دوست بشم اونا دوست ندارن باهام دوست بشن و اگه بهشون پیشنهاد نمی‌دم چون که می‌دونم قبول نمی‌کنن، یا اونایی که دوست دارم باهاشون دوست بشم آدم‌های درستی نیستن من ترجیح می‌دم تنها باشم ولی با آدم نادرستی دوست نشم، اگه ایرانی باشن برای اینه که حتماً با خودشون میگن من افغانی هستم و چهره‌ها فرق داره و ملیت فرق داره برای اینا باهام دوست نمی‌شن، اگه همشهری باشن هم زیاد همشهری‌هامو دوست ندارم."

شرکت‌کننده شماره ۱۱ که قبل این موضوع گفته بود هنگام تعارض با بقیه به جای حل مشکل آن رابطه را قطع می‌کند راجع به ارتباطات بین فردی خود می‌گوید: "خیلی زود ارتباط می‌گیرم و خیلی زود هم از دستش می‌دم نمی‌تونم نگاهش دارم، خودم به راحتی آدم هارو کنار می‌ذارم، و از رابطه‌های جدید با بقیه خیلی خوشحال می‌شم. به آدم‌ها وابستگی پیدا نمی‌کنم، سه تا دوست صمیمی هم دارم با اونا خیلی وقته دوستم کنار نداشتمشون".

مضمون فرعی مهارت نه گفتن: این موضوع در مصاحبه بدین شکل مورد پرسش قرار گرفت که اگر اطرافیان کاری را بخواهند انجام بدهی که می‌دانی آن کار اشتباه است آیا به راحتی توانایی نه گفتن را داری؟ ۳ نفر از دانش‌آموزان توانایی نه گفتن را نداشتند و ۶ نفر نه گفتنشان منوط به شرایط و فرد درخواست‌کننده بود و ۱۱ نفر معتقد بودند که توانایی نه گفتن به همه را دارند. شرکت‌کننده شماره ۱۰ که معتقد است توانایی نه گفتن را به خوبی ندارد این چنین می‌گوید: "مستقیم نمی‌تونم بهشون بگم نه، شاید اون کارو انجام بدم، قدرت نه گفتن رو ندارم، یکی از دوستام از من خواسته بود باهاش برم بیرون اصلاً نمی‌تونستم بهش نه بگم ولی مامانم نداشت برم وگرنه من نتونستم بهش نه بگم با اینکه خودمم دوست نداشتم برم".

همچنین شرکت‌کننده شماره ۱۷ نیز می‌گوید: "من کار خودمو انجام می‌دم و سعی می‌کنم قبولش نکنم، اگه دوست صمیمیم باشه و بهش اعتماد داشته باشم تو عالم دوستی خیلی اوقات آدم کار اشتباه انجام می‌ده و قبول می‌کنم ولی برای بقیه که بهشون اعتماد ندارم نه قبول نمی‌کنم".

مضمون فرعی نحوه حل تعارض: در پاسخ به این سؤال که چگونه به حل تعارضات با بقیه افراد می‌پردازید ۱۱ نفر از دانش‌آموزان عمده‌ترین راهکاری که به کار می‌برند گفت‌وگو با آن شخص راجع به مشکل پیش آمده بود.

سایر راهبردها شامل قطع ارتباط، پرخاشگری، کمک از شخص سوم، خودخوری و هم‌چنین دوری از چالش بدون حل آن بود.

شرکت‌کننده شماره ۱۱ راجع به نحوه حل کردن مشکلاتش با بقیه می‌گوید: "وقتی با کسی دچار مشکل می‌شم سعی می‌کنم دور اون آدم رو خط بکشم و اصلاً به فکر حل کردن مشکل نمی‌افتم کلاً می‌ذارمش کنار مشکلاتم با خانوادم رو هیچ وقت من مشکلی رو حل نمی‌کنم اونان که حل می‌کنن". هم‌چنین شرکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: "بیشتر سعی می‌کنم با صحبت کردن اما خب اگه آدم منطقی نباشه سعی می‌کنم یکم از اون ماجرا بگذره تا بعدش بتونیم اون رابطه رو داشته باشیم چون ممکنه با صحبت کردن با یک شخص غیرمنطقی یک مشکل جدیدتر باز به وجود بیاد".

مضمون اصلی سوم: پابندی به ارزش‌های اخلاقی

این مضمون شامل ارزش‌های مثبت نوجوانان در زندگی است و شامل مضامین نوع‌دوستی، دغدغه عدالت و برابری، تعهد به مذهب و باورها، خویش‌نمایی در روابط با جنس مخالف، عدم استعمال مواد مخدر و الکل و تعهد به سایر ارزش‌های اخلاقی است.

مضمون فرعی نوع‌دوستی: ۱۹ نفر از دانش‌آموزان خود را اهل کمک به دیگران و نوع‌دوست می‌دانستند و بیشتر دانش‌آموزان به علت محدودیت‌هایی که داشتند معتقد بودند عمدتاً در موارد درسی و کمک‌های جزیی روزمره به دیگران یاری می‌رسانند. هم‌چنین همدلی با دیگران، فعالیت در مؤسسات عام‌المنفعه و کمک مالی با درآمد شخصی نیز توسط شرکت‌کنندگان ذکر شد.

شرکت‌کننده شماره ۷ درباره دیدگاه خودش نسبت به کمک به دیگران می‌گوید: "من خیلی کمک کردن رو دوست دارم اگه کسی سؤال درسی داشته باشه صادقانه هرچیزی که بلدم رو در اختیارش

می‌ذارم یه سری وقتا شده که اول با خودم فکر کردم اگه این شخص نمره‌ش از من بیشتر بشه چی؟ بعدش با خودم گفتم که اگه اون یاد بگیره برای من لذت بخشه و اون لحظه این حسم رو سرکوب کردم از نظر مالی هم خیلی خرده خرده و کوچیک کمک کردم اگه بینم از پشش برمیام کمکش می‌کنم اگه بینم طرف چیزی که نیاز داره خیلی بزرگتر از توان منه اون رو به خانوادم می‌گم اگه خانوادم بتونن در حد توان کمکش می‌کنن". هم‌چنین شرکت‌کننده شماره ۱۲ از کمک‌های خودش به دیگران و احساس بدی که برایش به‌وجود آمده سخن به میان آورد: "خیلی اهل کمک به بقیه هستم، کمک‌های درسی مخصوصاً، همیشه دوستام رو من حساب می‌کنم، همه کار براشون انجام می‌دم، واقعاً همه دوستام دارن و همه ازم تشکر می‌کنن، در این حد کمک می‌کنم به دوستام ولی نتیجش برعکسه من خودم کمک می‌کنم اما کسی بهم کمک نمی‌کنه مثلاً من این همه به بچه‌ها خوبی می‌کنم و دوستشون دارم و با هیچ‌کدوم دشمنی ندارم اما نمی‌دونم چرا کتابم رو دزدیدن من که بهشون بدی نکرده بودم، اون روز یه جوروی شدم خیلی ناراحت شدم".

مضمون فرعی دغدغه عدالت و برابری

این مضمون فرعی راجع به این موضوع است که نوجوانان چقدر دغدغه عدالت و برابری اجتماعی را دارند و هنگام دیدن نابرابری واکنش آن‌ها چیست؟ بعضی از دانش‌آموزان از تفکر راجع به این‌گونه مسائل دوری می‌کردند، عده‌ای نیز هنگام مواجهه با بی‌عدالتی احساس غم را تجربه می‌کردند و ذهنشان درگیر می‌شد. و هم‌چنین بعضی از شرکت‌کنندگان تا حد توان در تلاش بودند تا با بی‌عدالتی مبارزه کنند. معدودی از شرکت‌کنندگان ذکر کردند فقط بی‌عدالتی در حد خودشون برایشان اهمیت دارد و برایشان دیدن بی‌عدالتی نسبت به دیگران اهمیتی ندارد.

شرکت‌کننده شماره ۷ معتقد است که مهاجر بودنش سبب شده که خیلی بهتر ناعدالتی را درک

رعایت می‌کنم نماز خوندم گاهی مشکل داره چون گاهی عصبانی می‌شم و دل‌م نمی‌خواد نماز بخونم".

مضمون فرعی خویشتن‌داری در روابط

با جنس مخالف: به غیر از ۲ دانش‌آموز متأهل، ۴ نفر از دانش‌آموزان داشتن رابطه عاطفی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند و تمامی آن‌ها معتقد بودند که روابطی که داشتند و دارند، دارای حد و مرز و محدودیت بوده است.

این مضمون شامل تأهل، رابطه در حد دوستی اجتماعی، رابطه منحصراً عاطفی، عدم ارتباط با جنس مخالف به دلیل انتخاب خود و عدم ارتباط با جنس مخالف به دلیل محدودیت خانواده است. شرکت‌کننده شماره ۱۰ از تجربه رابطه خود با جنس مخالف می‌گوید: "من تا حالا دوست پسر نداشتم دو سه روزه شروع کردم، اما محدودیت باید داشته باشه چون نامحرمه، فقط از طریق فضای مجازی حرف می‌زنیم از خونه نمی‌تونم برم بیرون بینم". شرکت‌کننده شماره ۲۰ از عقیده خود راجع به رابطه با جنس مخالف می‌گوید: "رابطه داشتن خوبه اما رابطه‌ای که آدم از هدف‌هایی که داره دور نشه و سعی کنه رابطه برخلاف اعتقاد و چارچوبش نباشه و تحت تأثیر قرار نگیره باید زیر نظر خانواده باشه و بعد پشیمونی به بار نیاره و اتفاقاتی پیش نیاد که پشیمون بشیم".

مضمون فرعی عدم استعمال مواد

مخدر و الکل: ۶ نفر از دانش‌آموزان تجربه استفاده از قلیان و ۳ نفر تجربه استفاده از سیگار را داشتند و بقیه شرکت‌کنندگان علاقه‌ای به استعمال هیچ یک از آنان را نداشتند. شرکت‌کننده شماره ۱۳ از تجربه خود راجع به سیگار و قلیان می‌گوید: "اهل سیگار کشیدن و قلیون هستم، می‌دونم خوب نیستن ولی یه حس و حالی می‌ده خوبه آدم سمتش نره ولی اگه بره سمتش بعدش باید سعی کنه بکشه بیرون، بخاطر ناراحتی سمتش نمی‌رم. اون موقع خودم خودم رو آرام می‌کنم کلاً سر چیزای پوچ خودم رو ناراحت نمی‌کنم سعی می‌کنم ذهنم رو آرام

کند و می‌گویم: "اگه ناعدالتی بینم اگه قفل نشم از کسی که در حقش ناعدالتی شده دفاع می‌کنم و می‌رم با شخصی که ظلم کرده برخورد می‌کنم. درک این ناعدالتی برای ما افغانستانی‌هایی که داخل ایران زندگی می‌کنیم خیلی بالاست چون این رو خودمون با گوشت و استخوانمون حس کردیم من هنوز سنم کمه در آینده این تبعیضه شاید تو ذهنم یا کم‌رنگ بشه یا پررنگ". شرکت‌کننده شماره ۶ نیز اعتقاد داشت که باید از تفکر راجع به این موضوعات دوری کرد. "تو همه جا نابرابری پیش میاد اگه بخوام به این چیزا فکر کنم استرس الکی بهم وارد می‌شه و خودم رو الکی اذیت می‌کنم سعی می‌کنم به چیزای منفی فکر نکنم".

مضمون فرعی تعهد به مذهب و باورها:

این مضمون فرعی باورهای مذهبی دانش‌آموزان و میزان تعهد به انجام مناسک مذهبی مورد پرسش واقع شد. دانش‌آموزان با شکرگذاری روزانه، پایبندی به نماز و روزه در تمامی اوقات، پایبندی به حجاب، تلاوت روزانه قرآن، تعهد خود به باور مذهبی‌شان را نشان می‌دادند همچنین بعضی از شرکت‌کنندگان در بعضی از شرایط خاص نماز می‌خواندند و برخی دیگر تعهدی به هیچ کدام از مناسک مذهبی نداشتند.

شرکت‌کننده شماره ۱۶ به مناسک مذهبی که روزانه در حال انجام آن‌ها است باور قلبی ندارد و انجام آن را به دلیل فشار خانواده می‌دانست نه باور قلبی خود و می‌گوید: "گاهی وقتی یه چیزی بهت تحمیل می‌شه دوست نداری بهش پایبند باشی و هر چقدر تورو به یه چیزی هول بدن دوست داری برگردی، اجبارم می‌کردن حتماً نماز باید بخونی حتماً حجابتو رعایت کنی و مجبورم کردن که چادر بپوشم خیلی اوقات بخاطر اجبار چادر پوشیدن گریه می‌کردم". شرکت‌کننده شماره ۱۷ نیز در این باره می‌گوید: "آره خودم رو متعهد می‌دونم. تعهد اینکه تو ماه محرم یه عده هستن که قبول ندارن این چیزارو براشون مهم نیست، تو ماه رمضان هم خیلی

این موقعیتی که الان توش هستم خیلی موقعیت جالبی نیست آدمی که بخوام باشم نیستم برای همین دوست دارم تو موقعیتی باشم که یک انسان تمام تلاششو می‌کنه می‌خواد و باید باشه. درس تنها راهه برای یک دختر بچه مهاجر، یک دفتر افغانستانی تو ایران، درس راه مناسب یا شاید تنها راهه موفقیتیه".

۳ نفر از دانش‌آموزان انگیزه تحصیلی‌شان مهاجرت است. شماره ۱۴ که هدفش مهاجرت به افغانستان است می‌گوید: "یکی از انگیزه‌هام این بود که دبیر روان‌شناسی مون خیلی باحال بود من علاقه‌مند به روان‌شناس شدم یه مدت تو مهد کودک کار می‌کردم و دلتم می‌خواست تربیت معلم بخونم بعد کمی مطالعه کردم و فهمیدم مهاجرین نمی‌تونن تربیت معلم بخونن یکی دیگه از انگیزه هامم اینه که برگردم به افغانستان، اگه افغانستان وضعیتش اینه چون بچه هامون دارن بد تربیت می‌شن، می‌خوام روان‌شناسی بخونم و برگردم کشورم که رو تربیت بچه‌های افغانستانی کار کنم و عوضش کنم این شرایط رو".

مضمون فرعی درگیری تحصیلی:

شرکت‌کنندگان در پاسخ به این که چقدر در یادگیری فعالانه مشارکت دارند، میزان درگیری تحصیلی خود را منوط به موضوع درسی، منوط به نحوه تدریس معلم، و لذت پیروزی می‌دانستند. هم‌چنین بعضی از دانش‌آموزان معتقد بودند که به علت عدم علاقه به درس، درگیری تحصیلی ندارند.

۹ نفر از دانش‌آموزان یادگیری تمام دروس مدرسه را دوست داشتند و عمده وقت خود را صرف یادگیری می‌کردند. ۶ نفر از دانش‌آموزان درگیری تحصیلی خود را منوط به نحوه تدریس دبیر و موضوع درسی می‌دانند. شماره ۱۰ عدم درگیری تحصیلی خود را به دلیل نرفتن به رشته مورد علاقه خود می‌داند و می‌گوید: "قبلنا خیلی بیشتر بودما از سال دهم خیلی کمتر شد دیگه علاقه‌ای به درس ندارم رشته‌مو چون دوست ندارم کارهای

کنم خودم". شرکت‌کننده شماره ۴ راجع به عدم علاقه خود نسبت به سیگار و قلیان می‌گوید: "خیلی‌ها استفاده می‌کنن اما خب به نظر من خنده داره چرا آدم باید یه کاری کنه که از خود بی‌خود بشه واسه همین اصلاً دوستش ندارم".

مضمون فرعی تعهد به سایر ارزش‌های

اخلاقی: این مضمون راجع به ارزش‌های اخلاقی است که دانش‌آموزان به آن‌ها معتقد هستند. مواردی که توسط شرکت‌کنندگان مطرح شد شامل تعهد به تهمت نزدن، متعهد به صادق بودن تحت هر شرایط، متعهد به آزار نرساندن به دیگران، بی‌احترامی نکردن جلوی بقیه، تعهد به پشت سرکسی حرف نزدن، کینه‌ای نبودن، مسئولیت‌پذیری، دو رو نبودن است.

شرکت‌کننده شماره ۱۱ در این باره می‌گوید: "تو مسائل اخلاقی‌ام من متعهدم که وقتی یکی حرفی بهم بزنه که ناراحتم کنه تو یک جمع من رفتاری مثل خودش ندارم و رعایت می‌کنم چون جلوی جمعی هستیم". شماره ۴ نیز می‌گوید: "من خودم اخلاقو خیلی مهم می‌دونم مثلاً برام خیلی مهمه که از حرف زدنم کسی ناراحت نشه این موضوع رو تا جایی که بتونم رعایت می‌کنم ولی خب گاهی آدم عصبانی میشه و از دستش در میره".

مضمون اصلی چهارم: در جست‌وجوی آموختن

مضامین فرعی شامل انگیزه‌های پیشرفت، درگیری تحصیلی، انجام تکالیف، تعلق خاطر به مدرسه و شوق مطالعه فرا آموزشی است.

مضمون فرعی انگیزه‌های پیشرفت:

دانش‌آموزان انگیزه‌های مختلفی برای پیشرفت دارند. بیشترین انگیزه‌ای که برای تحصیل داشتند پیدا کردن شغل مناسب بود. مهاجرت از ایران، اثبات کردن خود به خانواده و بدون انگیزه یا صرفاً به دنبال مدرک دیپلم نیز سایر موارد هستند.

شرکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: "به نظر من

مضمون فرعی تعلق خاطر به مدرسه

وجود دوستان و همکلاسی‌ها در مدرسه یکی از مهم‌ترین دلایل پیوند با مدرسه بود که ۱۴ نفر به آن اشاره کردند. ۳ نفر از دانش‌آموزان از علاقه‌شان به معلم که باعث علاقه‌مندی به مدرسه شده صحبت کردند. ۹ نفر علاقه قلبی به درس خواندن و یادگیری در مدرسه را داشتند. همچنین معدودی از دانش‌آموزان به دلیل حجم زیاد دروس و برخورد کادر آموزشی علاقه‌ای به مدرسه رفتن نداشتند.

شرکت‌کننده شماره ۱۶ می‌گوید: "مدرسه رو زیاد دوست دارم چون وقتم رو با دوستانم می‌گذرونم هم برای رشته‌م و هم برای دوستانم مدرسه رو دوست دارم". شماره ۱۹ که درگیر کنکور تجربی و تحت فشار درسی زیادی هست این را می‌گوید: "جدیداً حسم تغییر کرده نسبت به مدرسه و بیشتر زده شدم فقط دارم درس می‌خونم وارد یه محیط جدید بشم که شرایطم بهتر بشه احساس می‌کنم که کرونا که اومد دانش‌آموزا از درس زده شدن و دور شدن دیگه دوست ندارم برم مدرسه شاید برای حجم درس هاست".

مضمون فرعی شوق مطالعه فرا

آموزشی: ۱۷ نفر از دانش‌آموزان خواندن کتاب غیردرسی را دوست داشتند و بخشی از زمانشان را صرف مطالعه آزاد می‌کردند. این مضمون شامل استفاده از کتاب‌های الکترونیکی، هم‌صحبتی با افراد باتجربه به جای کتاب، استفاده از کتابخانه، خرید کتاب غیردرسی تا حد امکان، نداشتن وقت اضافه برای مطالعه آزاد، کسب دانش با فیلم و فایل صوتی است.

شرکت‌کننده شماره ۱۶ می‌گوید: "از روی علاقه کتاب می‌خونم بقیه وقتی وقتشون خالیه می‌رن کتاب می‌خونن من وقتمو خالی می‌کنم که کتاب بخونم چون خونمون خیلی شلوغه و مسئولیت زیاد دارم نمی‌تونم همیشه کتاب بخونم". بعضی از دانش‌آموزان مانند شماره ۷ ترجیح می‌دادند بیشتر رمان بخوانند. شماره ۷ می‌گوید: "واقعیتش زیاد

درسی مو پیش نمی‌برم، رشته‌م انسانیه دوستش ندارم من کامپیوتر دوست داشتم اما چون تو منطقه ما غیرتجربی و انسانی رشته دیگه‌ای نیست مجبور شدم از بین این دوتا یکی رو انتخاب کنم و انسانی رو بعدش انتخاب کردم".

شرکت‌کننده شماره ۱۲ نیز علت درگیری تحصیلی خود را علاقه به یادگیری می‌داند و می‌گوید: "من یادگیری رو خیلی دوست دارم و دوست دارم چیزای جدیدی یاد بگیرم، برای همین اگه مدرسه باشه و اگه هر کاری باشه دوست دارم یاد بگیرم کلاً الان وقتایی که امتحان دارم با جون و دل می‌خونم با عشق می‌خونم و دوست دارم کلی چیز یاد بگیرم نه اینکه فقط نمره بیارم دوست دارم واقعاً بفهممش و چیزایی که خوندم به کارم بیاد".

مضمون فرعی انجام تکالیف: بعضی از

دانش‌آموزان صرفاً از روی احساس وظیفه تکالیف را همیشه کامل انجام می‌دادند. بعضی دیگر از شرکت‌کنندگان نیز اظهار کردند که فقط در برخی زمان‌ها اگر تکلیفی را دوست داشته باشند آن را انجام می‌دهند و بعضی از دانش‌آموزان علاقه قلبی به انجام دادن تکلیف داشتند.

شرکت‌کننده شماره ۱۱ به دلیل حس وظیفه‌شناسی بالای خود تمام تکالیف را انجام می‌دهد، او می‌گوید: "احساس ناراحتی می‌کنم اگه تکلیفی رو بذارن و انجام ندم دل‌م نمی‌خواد بشنوم که بگن چرا انجام ندادی برای همین شده از وقت یه چیز دیگه بزنم ولی اون تکلیف رو انجام می‌دم با اینکه شاید بدونم اون تکلیف مفید نیست ولی انجامش می‌دم". شماره ۱۷ انجام تکالیف را وابسته به این می‌داند که درس‌ها را دوست داشته باشد یا نه و می‌گوید: "بستگی داره به درسش که دوستش داشته باشم یا نه اگه دوست داشته باشم یکی دو ساعت برایش وقت می‌ذارم ولی برای امتحان وقت نمی‌ذارم برای انجام تکالیف متعهد هستم مگه درس رو دوست نداشته باشم که از زیرش در برم".

اهل کتاب خوندن نیستم برای هرچیزی، دوست دارم بیشتر تو جامعه فعالیت داشته باشم نه اینکه کتاب بخونم، اگه دنبال دانش جدید باشم سعی می‌کنم با افراد باتجربه حرف بزنم، من اگه بخوام کتاب بخونم رمان می‌خونم رمان هم بیشتر از گوشی می‌خونم برای تقویت جمله‌سازی و اینا".

بحث

هدف این پژوهش واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر افغانستانی با تأکید بر سرمایه‌های تحولی درونی بود. سرمایه‌های تحولی میزان تاب‌آوری را افزایش می‌دهد و همین باعث ارتقاء توانمندی در فرد می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌های تحولی درونی و بیرونی با یکدیگر رابطه قوی دارند که هر دو آن‌ها با تحول مثبت جوانی مرتبط هستند (گومزبایا، سانتوس و گسپردمتوس، ۲۰۲۲) بنسون، اسکیلز و سیورتون (۲۰۱۱) معتقدند که حمایت و پذیرش بیرونی موجب ارتقاء و توسعه سرمایه‌های درونی می‌شود. از تحلیل داده‌های پژوهش ۴ مضمون اصلی، ۲۳ مضمون فرعی و ۹۲ مفهوم اولیه شکل گرفته است. در ادامه به تبیین هر کدام از مضامین پرداخته می‌شود.

اولین مضمون اصلی منابع هویت مثبت است. تحول هویت در نوجوانی ضروری است و دانش‌آموزان در این سن سعی در ایجاد حرمت خود، هدفمندی و خوش‌بینی دارند. حرمت خود بالا، کاستی حرمت خود، هدفمندی، امید به آینده، ناامیدی به آینده جزو مضامین هویت مثبت است. ارزیابی دیگران به ویژه والدین و همسالان بر حرمت خود نوجوانان اثر ویژه‌ای دارد. ارزیابی والدین بیشتر بر اساس صلاحیت تحصیلی و صلاحیت رفتاری صورت می‌گیرد. یکی از دلایلی که حرمت خود بیشتر دانش‌آموزان افغانستانی حاضر در پژوهش بالا بود این بود که به غیر از یک نفر از دانش‌آموزان، خانواده برای تحصیل و انتخاب رشته و کنکور، آن‌ها را تحت

فشار قرار نمی‌داد و بر اساس صلاحیت تحصیلی فرزندان خود بر آن‌ها ارزش‌گذاری نمی‌کرد. از دیگر موارد اثرگذار بر حرمت خود، ارزیابی ظاهر فیزیکی نوجوان توسط همسالان است (هارتر، ۱۹۹۳). در مصاحبه‌ها سه نفر از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که از چهره خود رضایت ندارند و دانش‌آموزان ایرانی ممکن است چون چهره‌شان با آن‌ها متفاوت هست از آن‌ها دوری کنند. این همان پدیده طردشدگی است که صادقی و نظری (۲۰۱۶) آن را از عوامل شکل‌گیری هویت دانسته‌اند. از دیگر منابع هویت مثبت امیدواری است که عده‌ای از نوجوانان این عقیده را داشتند که اگر امیدوار نباشیم نمی‌توانیم تلاش کنیم. همچنین بعضی از دانش‌آموزان که تا حدی ناامید بوده و به آینده خوش‌بین نبودند این احساس را بیان می‌کردند که راه زندگی خود را پیدا نکرده‌اند. در یافته‌های بلاند و دارلینگتون (۲۰۰۲) این نکته وجود دارد که نوجوانان هنگام ناامیدی تصویر روشنی از آینده‌شان ندارند و راهی برای خروج از وضعیت بدشان به ذهنشان نمی‌رسد و انرژی لازم برای تغییر وضعیت خود را ندارند و هرچه امید در نوجوانان بیشتر باشد تلاش‌های خود را بیشتر خواهند کرد. در واقع در تبیین این مضمون می‌توان خاطر نشان کرد که هویت در نوجوانان به این دلیل که جزء اساسی و درونی فرد است و می‌تواند او را در ایجاد، تداوم و یکپارچگی زندگی یاری دهد، بر تکامل و تثبیت شخصیت نوجوانان بسیار مؤثر است. به نظر می‌رسد که نوجوانان دختر افغانستانی می‌کوشند تا از طریق تلاش به هویت مثبت دست یابند و به این طریق خود را در جامعه اثبات کنند.

مضمون اصلی بعدی توانمندی‌های اجتماعی است که شامل مضامین فرعی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، پذیرش اقوام و نژادها، احترام به عقاید مذهبی دیگران، عدم پذیرش عقاید و مذهب دیگران، صلاحیت‌های بین فردی،

گفت یافته‌های این دو پژوهش با یکدیگر همسویی دارد. دانش‌آموزانی که روابط بین فردی بهتری داشتند از راه حل‌های کارآمدتری برای حل تعارض استفاده می‌کردند. در ارتباط با تبیین این مضمون اشاره شده است که توانمندی‌های اجتماعی شامل مهارت‌های شخصی است که کودکان و نوجوانان برای رویارویی با انتخاب‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های متعددی که با آن‌ها روبه‌رو هستند، استفاده می‌کنند. از سوی دیگر توانمندی‌های اجتماعی، مجموعه‌ای پیچیده از مهارت‌هاست که روابط سالم را پرورش و عملکرد کلی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به مردم برای کنش متقابل با دیگران کمک می‌کند (رنر، آرتنز، پیترز، لوبستال و هوپرز، ۲۰۱۸). مضمون بعدی پایندی به ارزش‌های اخلاقی است. این مضمون شامل ارزش‌های مثبتی است که نوجوانان در زندگی به آن‌ها پایبند هستند و شامل مضامین نوع‌دوستی، دغدغه‌ی عدالت و برابری، تعهد به مذهب و باورها، خویش‌داری در روابط با جنس مخالف، عدم استعمال مواد مخدر و الکل، و تعهد به سایر ارزش‌های اخلاقی است. بعضی از دانش‌آموزان برای هموطنان خود کمک‌های داوطلبانه‌ای انجام می‌دادند. به طور مثال برای دانش‌آموزان مهاجر کلاس کنکور و کلاس رفع اشکال رایگان می‌گذارند یا در خیریه‌ای که برای مهاجران افغانستانی بی‌بضاعت است فعالیت می‌کنند، هم‌چنین بعضی از دانش‌آموزان توجه زیادی به آن دسته از هموطنان خود داشتند که از نظر مالی ضعیف‌تر از خانواده آن‌ها بودند و خانوادگی به آن‌ها کمک می‌کردند. در این پژوهش دانش‌آموزانی که نوع‌دوست نسبت به هموطنان خود بودند و فعالیت داوطلبانه برای هموطنان خود انجام می‌دادند افرادی بودند که به هویت افغانستانی خود افتخار می‌کردند و عرق ملی داشتند، طبق پژوهش ونگ (۲۰۱۸) میزان عرق ملی با برونگردی، خوش‌رویی و کمک‌کننده

مهارت نه گفتن و نحوه حل تعارض است. در واقع دانش‌آموزان افغانستانی در موضوعات درسی و تحصیلی مستقل بودند (به غیر از یک نفر) و برنامه‌ریزی انجام می‌دادند. تصمیم‌گیریشان در رابطه با تحصیل برعهده خودشان بود اما اکثر دانش‌آموزان استقلال خود در مسائل تحصیلی را فقط مربوط به دبیرستان می‌دانستند. هیچ‌یک از دانش‌آموزان مشکلی با رابطه نزدیک با نژاد و اقوام مختلف نداشتند و حتی اکثر آن‌ها ترجیح می‌دادند دوستانی با اقوام و نژاد مختلف داشته باشند، البته تعدادی از دانش‌آموزان، دوستان هندوستانی، پاکستانی و عراقی هم داشتند. دانش‌آموزان می‌گفتند چون خودشان مهاجر هستند پذیرش قوم و نژادهای مختلف برایشان بسیار راحت است. بعضی از دانش‌آموزان معتقد بودند که افغانستانی بودنشان اثر منفی بر روابط بین فردی‌شان گذاشته و سخت‌تر می‌تواند دوست پیدا کنند، چون افغانستانی‌ها در ایران قابل پذیرش نیستند و بعضی دیگر از دانش‌آموزان معتقد بودند که مهاجر بودنشان اثر مثبت بر روابط فردی‌شان گذاشته و همین مهاجر بودنشان سبب شده با افراد مختلف سازگاری بیشتری داشته باشند. این یافته تا حدودی متفاوت از یافته صادقی و نظری (۲۰۱۶) است و بیانگر آن است که گذشت زمان و قرار گرفتن در معرض اطلاعات مرتبط با افغانستان موجب پذیرش بهتر این دانش‌آموزان در میان هم‌کلاسی‌های خود شده است. مهارت نه گفتن یکی دیگر از توانمندی‌های اجتماعی است و تمامی دانش‌آموزانی که به‌سختی به درخواست نامعقول دیگران نه می‌گفتند هنگام پرسش درباره میزان عشق به خود و میزان ارزش قائل شدن برای خود اظهار کردند به نحوی نمی‌توانند خودشان را دوست بدارند و خود را ارزشمند بدانند. در نتایج پژوهش غباری‌بناب و حجازی (۲۰۰۷) نیز نشان داده شد بین حرمت خود و جرات‌ورزی دانش‌آموزان همبستگی وجود دارد که می‌توان

بودن نیز رابطه دارد که با بخشی از یافته‌های این پژوهش همسو است.

همانطور که در نقل قول‌های دانش‌آموزان مطرح شد، تعداد زیادی از دانش‌آموزان این عقیده را داشتند که چون خود در معرض تبعیض و نابرابری بودند، افرادی که در معرض نابرابری قرار می‌گیرند را درک می‌کنند و برایشان این موضوع بیشتر دغدغه هست تا افرادی که تجربه نابرابری ندارند. این دانش‌آموزان هر نوع نابرابری را به‌خوبی درک می‌کنند و برای آن ناراحت می‌شوند. تعداد معدودی از دانش‌آموزان که دغدغه‌ای در ارتباط با نابرابری نداشتند و برای‌شان صرفاً آسایش و آرامش خود اهمیت داشت افرادی بودند که در مضمون فرعی نوع‌دوستی نیز تمایل چندانی به کمک به دیگران نداشتند. در رابطه با محدودیت‌های ارتباط با جنس مخالف و استفاده از سیگار و الکل و مواد مخدر نیز باید گفت که به طور کلی دانش‌آموزان افغانستانی محدودیت‌های زیادی برای خود قائل بودند و می‌توان علت آن را فرهنگ مردم افغانستان دانست زیرا در جامعه اسلامی افغانستان ارزش‌ها و قوانین اسلامی نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی دارند و قوانین اسلامی و اجتماعی نیز جوانان را از مصرف الکل بازمی‌دارد (چیشتی، ۲۰۲۰).

مضمون اصلی آخر در جست‌وجوی آموختن است. مضامین فرعی این مضمون شامل انگیزه پیشرفت، درگیری تحصیلی، انجام تکالیف، تعلق خاطر به مدرسه و شوق مطالعه فرا آموزشی بود. بعضی از دانش‌آموزان تنها راه پیشرفت را درس خواندن و تحصیل می‌دانند، و تحصیل را تنها راهی می‌دانند که خود را بتوانند از شرایط سخت نجات دهند. در پژوهش چنی، مورا سکین، کاهالان و گودوین (۱۹۹۸) که در رابطه با دانش‌آموزان طبقه محروم بود یک سوم دانش‌آموزان اظهار کردند به دلیل اینکه نمی‌توانند شغلی پیدا کنند قصد ادامه تحصیل دارند و در واقع،

دانشگاه را مسیری برای پیشرفت می‌دیدند. پاسخ دانش‌آموزان به انگیزه پیشرفت شباهت زیادی به پاسخ راجع به هدفمندی‌شان داشت. یکی از موضوعاتی که سبب دل‌سرد شدن دانش‌آموزان افغانستانی شده و از درگیری تحصیلی آن‌ها کاسته است، این بود که بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل مهاجر بودن و محدودیت در انتخاب رشته و همچنین نبود تنوع رشته‌های تحصیلی در مناطق حاشیه شهر و محروم وارد رشته‌های تحصیلی شدند که به آن علاقه چندانی نداشتند. اکثر دانش‌آموزان بخش عمده‌ای از تکالیف را بیهوده و بی‌فایده می‌دانستند اما بعضی از این دانش‌آموزان برای اجتناب از سرزنش معلمان با وجود اینکه می‌دانستند بعضی از تکالیف برایشان مفید نیست، تمام تکالیف را انجام می‌دادند و از مسئولیت‌شان خالی نمی‌کردند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رفتن آن‌ها به مدرسه دیدن دوستان و معاشرت با آن‌ها بود. اما دانش‌آموزانی که شرایطش را داشتند که بیرون از مدرسه با دوستانشان معاشرت کنند این انگیزه را برای رفتن به مدرسه نداشتند. بسیاری از دانش‌آموزان اجازه حضور در جایی غیر مدرسه را نداشتند، به همین دلیل مدرسه تنها محلی بود که می‌توانستند در آنجا رشد و پیشرفت کنند. در سایر پژوهش‌ها داشتن ارتباط صمیمانه با دوستان با نمرات بالا در دوره ابتدایی و متوسطه همبستگی مثبت داشته است (برندت و کفه، ۱۹۹۵؛ و تنزل، بری و کالدول، ۲۰۰۴؛ و تنزل و کالدول، ۱۹۹۷). علاوه بر این داشتن دوستان در مدرسه نیز با جنبه‌های مثبتی از انگیزش و مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با مدرسه ارتباط نشان داده شده است (و تنزل، ۲۰۰۵).

به غیر از ۳ نفر از دانش‌آموزان، همه علاقه به مطالعه آزاد داشتند. هرچند بسیاری از آن‌ها وقت زیادی برای مطالعه نداشتند اما کتاب برای بعضی از دانش‌آموزان جایگزین امکانات خانه و محله و کلاس‌های خارج از مدرسه بود. هم‌چنین به غیر

مهاجر افغانستانی کمک کرده و زمینه ارتقاء تاب‌آوری آنان را فراهم کرد. همچنین می‌توان جلسات گروه‌درمانی برای دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی با هدف افزایش سرمایه‌های تحولی درونی آنان برگزار کرد. در نهایت جهت افزایش گستره کشف فرایندهای پدیده مورد مطالعه این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی بر روی پسران نیز انجام و با نتایج این پژوهش مقایسه شود.

منابع

- Azadian Bojnordi, M., Bakhtiarpour, S., Makvandi, B., & Ehteshamzadeh, P. (2020). Internal and external developmental assets and academic well-being: The mediating role of academic buoyancy. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 64(16)425-436. [In Persian].
- Benson, P. L. (2003). *Developmental assets and asset-building community: Conceptual and empirical foundations*. Boston, MA: Springer US.
- Benson, P. L., Scales, P. C., Hamilton, S. F., & Sesma, A. (2007). *Positive youth development: Theory, research, and applications*. London: John Wiley & Sons, Inc.
- Benson, P. L., Scales, P. C., & Syvertsen, A. K. (2011). The contribution of the developmental assets framework to positive youth development theory and practice. In R. M. Lerner, J. V. Lerner & J. B. Benson (eds.), *Advances in child development and behavior* (pp197-230). Amsterdam: Elsevier.
- Berndt, T. J., & Keefe, K. (1995). Friends' influence on adolescents' adjustment to school. *Child Development*, 66(5), 1312-1329.
- Bland, R., & Darlington, Y. (2002). The nature and sources of hope: Perspectives of family caregivers of people with serious mental illness. *Perspectives in Psychiatric Care*, 38(2), 61-68.
- Chaney, B., Muraskin, L. D., Cahalan, M. W., & Goodwin, D. (1998). Helping the progress of disadvantaged students in higher education: The federal student support services program. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 20(3), 197-215.

از ۲ نفر از دانش‌آموزانی که رشته‌شان تجربی بود و تمام زمانشان را برای تحصیل می‌گذاشتند بقیه زمان بیشتری برای مطالعه آزاد داشتند. بر این اساس با در نظر گرفتن متغیرهایی چون نقش سرمایه‌های تحولی و افزایش سرمایه روان‌شناختی می‌توان میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقاء داد. شهبازی، داهر، بایا و جابر (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود نشان دادند که هرچه افراد از سرمایه‌های تحولی غنی‌تری برخوردار باشند، پیشرفت و عملکرد تحصیلی بهتری دارند و با وقایع تنیدگی‌زا بهتر برخورد می‌کنند.

نتایج پژوهش نشان داد سرمایه‌های تحولی درونی دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی فقط در برخی از ابعاد از کمتر بود اگرچه سرمایه تحولی پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در بین دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی بسیار پررنگ بود. همچنین در مضمون اصلی توانمندی‌های اجتماعی، مضمون فرعی پذیرش اقوام و نژادها و در مضمون اصلی منابع هویت مثبت مضمون فرعی امید به آینده در تمامی دانش‌آموزان برجسته بود. در مجموع یافته‌ها بیانگر آن است که دختران دانش‌آموز افغانستانی دارای سرمایه‌های درونی مناسبی هستند. تحصیل در مدرسه، حمایت والدین برای ادامه تحصیل و داشتن ارزش‌های اخلاقی جامعه‌پسند، انگیزش پیشرفت و تلاش برای ساختن آینده‌ای بهتر مشخصه دختران افغانستانی امروز است.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم تعمیم‌دهی یافته‌ها به گروه‌های تحصیلی و فرهنگی دیگر اشاره کرد. ناهم‌سویی برخی یافته‌ها با پژوهش‌های قبلی نیز نشان از ارتقاء فرهنگی در دو جامعه ایرانی و مهاجران افغانستانی است. با تأکید بر توانمندی گروه مهاجر، حذف پیش‌داوری‌ها، و آموزش هوش فرهنگی^۱ در مدارس می‌توان به افزایش سرمایه درونی دختران

- Chishti, M. (2020). The pull to the liberal public: *Gender, orientalism, and peace building in Afghanistan*. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 45(3), 581-603.
- Eisazadeh, S., & Mehranfar, J. (2013). The economic effects of Afghan immigrants on employment and wage level in construction sector of Iranian economy. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 48(2), 101-122. [In Persian].
- Ghobari Bonab, B., & Hejazi, M. (2007). Relationship among assertiveness, self-esteem and academic achievement in gifted and regular school students. *Journal of Exceptional Children*, 7(3), 299-316. [In Persian].
- Gomez-Baya, D., Santos, T., & Gaspar de Matos, M. (2022). Developmental assets and positive youth development: an examination of gender differences in Spain. *Applied Developmental Science*, 26(3), 516-531
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105-120.
- Hamidi, F., Nasri, S., & Hafezi N. (2020). The Effectiveness of Psychodrama Treatment on Social Anxiety of Migrant Adolescent Girls: Emphasizing on Afghan Migrants. *Rooyesh*, 9 (5), 31-38. [In Persian].
- Hosseinabad, N., Najafi, M., & Rezaei, A. M. (2020). The effectiveness of the positive youth development education program on the positive development indicators among adolescents. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologist*, 35(9), 21-22. [In Persian].
- Harter, S. (1993). Causes and consequences of low self-concept in adolescents. In R. Baumeister, *Self-concept: The puzzle of low self-regard*. New York: Plenum.
- Liasko, E., & Mackyer, J. (2005). *Relationships among developmental assets, age, smoking behaviors among youth*. *Health Education & Behavior*, 32(3), 380-397.
- Mohammadpour, A. (2012). *Qualitative research method against method 1*. Tehran: Sociologists Publications. [In Persian].
- Mousavi, S., Fathi Wajargah, K., Haqqani, M., & Safaei Movahed, S. (2019). Primary school teachers' experiences of the challenges of teaching Afghan immigrants: a qualitative study. *Scientific Journal of Curriculum Research*, 10(2), 38-48. [In Persian].
- Naderifar, M., Goli, H., & Qoljajei, F. (2016). Snowball, a purposeful method in qualitative research sampling. *Development Steps in Medical Education Journal*, 14(3), 172-190. [In Persian].
- Renner, F., Arntz, A., Peeters, F. P., Lobbestael, J., & Huibers, M. J. (2018). Schema therapy for chronic depression: Results of a multiple single case series. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 10(1), 15-25.
- Sadeghi, S., & Nazari, H. (2016). Formation of self and other in everyday life experiences Afghan teens. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(3), 437-456. [In Persian].
- Scales, P., & Taccogna, J. (2007). Developmental assets for success in school and life. *Journal of Education Digest*, 6(1), 34-42.
- Shahbari, J. A., Daher, W., Baya'a, N., & Jaber, O. (2020). *Prospective teachers' development of meta-cognitive functions in solving mathematical-based programming problems with scratch*. *Symmetry*, 12(9), 1569.
- Shek, D. T., Ma, C. M., & Liu, T. T. (2015). Adolescent developmental assets and service leadership. *International Journal on Disability and Human Development*, 275-283 (3)14.
- Sheykhosslami, A., & Omidvar, A. (2017). The effectiveness of critical thinking training on problem solving styles (efficient and inefficient) of students. *Journal of School Psychology*, 6(2), 83-99. [In Persian].
- Weng, D. L. C. (2018). Personality traits and individual feeling of national pride in South Korea. *Asian Journal of Political Science*, 26(2), 257-275.
- Wentzel, K. R. (2005). Peer relationships, motivation, and academic performance at school. *Handbook of competence and motivation*, 279-296.
- Wentzel, K. R., & Caldwell, K. (1997). Friendships, peer acceptance, and group membership: Relations to academic achievement in middle school. *Child Development*, 1198-1209.
- Wentzel, K. R., Barry, C. M., & Caldwell, K. A. (2004). Friendships in middle school: Influences on motivation

and school adjustment. *Journal of Educational Psychology*, 96(2), 195-203.

You, S., Dang, M., & Lim, S. A. (2016). Effects of student perceptions of teachers' motivational behavior on

reading, English, and mathematics achievement: The mediating role of domain specific self-efficacy and intrinsic motivation. *Child & Youth Care Forum*, 45(2), 221-241.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی